

# اصول استنباط در حقوق اسلامی

تألیف

دکتر علی دلفانی



خرم آباد

انتشارات شاپورخواست

۱۳۹۵

|                      |                                                 |
|----------------------|-------------------------------------------------|
| سرشناسه              | دلفانی، علی، ۱۳۴۸                               |
| عنوان و نام پدیدآور  | اصول استنباط در حقوق اسلامی / تألیف علی دلفانی، |
| مشخصات نشر           | انتشارات شاپورخواست، ۱۳۹۵                       |
| مشخصات ظاهری         | ۱۸۳ ص.                                          |
| شابک                 | ISBN: 978 - 600 - 260 - 306 - 7                 |
| وضعیت فهرست‌نویسی    | فیا                                             |
| یادداشت              | چاپ قبلی: دانشگاه آزاد اسلامی (خرم‌آباد) ۱۳۹۰   |
| یادداشت              | کتاب‌نامه: [۱۸۱]-۱۸۳                            |
| موضوع                | اصول فقه                                        |
| موضوع                | Islamic law – Interpretation and construction   |
| رده‌بندی کنگره       | ۱۳۹۵ الف ۶ ا ۸ د / BP ۱۶۳                       |
| رده‌بندی دیویی       | ۲۹۷ / ۳۱                                        |
| شماره کتاب‌شناسی ملی | ۴۴۵۷۵۰۵                                         |



## اصول استنباط در حقوق اسلامی

دکتر علی دلفانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم‌آباد

ناشر: انتشارات شاپورخواست - محل نشر: خرم‌آباد ۱۱/۴۹۸۴۰۱۱/۹۱۱۰۰۰۰۰۰۰۰

چاپ اول انتشارات شاپورخواست

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

امور رایانه و طرح جلد: سهمیه اسدزاده

لیتوگرافی: آفتاب - چاپ: زیتون

شابک: ۷-۳۰۶-۳۰۶-۲۶۰-۶۰۰-۹۷۸

بها: ۱۲۰۰۰ تومان

## فهرست

| صفحه                                  | عنوان                                   |
|---------------------------------------|-----------------------------------------|
| ۱۳                                    | مقدمه                                   |
| فصل اوّل                              |                                         |
| علم اصول فقه چرا و چگونه به وجود آمد؟ |                                         |
| ۱۵                                    | منشأ پیدایش علم اصول فقه                |
| ۱۷                                    | نگارش علم اصول فقه                      |
| ۱۹                                    | آغاز اجتهاد و تحول و تکامل علم اصول فقه |

## فصل دوم

## تعریف، موضوع و فایده علم اصول فقه

|    |                    |
|----|--------------------|
| ۲۳ | تعریف اصول فقه     |
| ۲۷ | موضوع علم اصول فقه |
| ۲۸ | فایده علم اصول فقه |

## فصل سوم

## وضع الفاظ

|    |                      |
|----|----------------------|
| ۲۹ | معنای جمع            |
| ۳۰ | اقسام وضع            |
| ۳۱ | حقیقت و مجاز         |
| ۳۱ | علائم حقیقت و مجاز   |
| ۳۴ | شرایط مجاز           |
| ۳۶ | اصول لفظیه           |
| ۳۹ | حقیقت شرعیه و متشرعه |

## فصل چهارم

## اوامر

|    |                                     |
|----|-------------------------------------|
| ۴۱ | معنای امر                           |
| ۴۲ | آیا امر دلالت بر وجوب دارد یا خیر؟  |
| ۴۳ | آیا امر دلالت بر مره دارد یا تکرار؟ |
| ۴۵ | آیا امر دلالت بر فور دارد یا تراخی؟ |
| ۴۶ | آیا امر به امر دلالت بر وجوب دارد؟  |
| ۴۸ | اقسام واجب                          |
| ۴۸ | واجب تعبدی و توصلی                  |
| ۴۹ | واجب عینی و کفایی                   |
| ۵۰ | واجب تعیینی و تخییری                |

|    |       |                        |
|----|-------|------------------------|
| ۵۰ | ..... | واجب نفسی و غیره       |
| ۵۱ | ..... | واجب اصلی و تبعی       |
| ۵۱ | ..... | واجب موسع و مضیق       |
| ۵۲ | ..... | فرق واجب مشروط با مطلق |
| ۵۳ | ..... | واجب معلق و منجز       |
| ۵۴ | ..... | فرق واجب مشروط با معلق |

## فصل پنجم

## نواهی

|    |       |                                       |
|----|-------|---------------------------------------|
| ۵۵ | ..... | معنای نهی                             |
| ۵۶ | ..... | آیا نهی دلالت بر تنجیم دارد؟          |
| ۵۶ | ..... | آیا امر ظهور در مره دارد یا تکرار؟    |
| ۵۷ | ..... | آیا نهی موجب فساد منهی می شود یا خیر؟ |

## فصل ششم

## مفاهیم

|    |       |                |
|----|-------|----------------|
| ۵۹ | ..... | منطوق و مفهوم  |
| ۶۰ | ..... | اقسام منطوق    |
| ۶۰ | ..... | منطوق صریح     |
| ۶۰ | ..... | منطوق غیر صریح |
| ۶۳ | ..... | اقسام مفهوم    |
| ۶۳ | ..... | مفهوم موافق    |
| ۶۳ | ..... | مفهوم مخالف    |
| ۶۴ | ..... | مفهوم شرط      |
| ۷۰ | ..... | مفهوم وصف      |
| ۷۱ | ..... | مفهوم غایت     |
| ۷۳ | ..... | مفهوم حصر      |

۷۴ ..... مفهوم عدد

۷۶ ..... مفهوم لقب

### فصل هفتم

#### عام و خاص

۷۷ ..... تعریف عام و خاص

۷۸ ..... اقسام عام

۷۹ ..... مخصص و اقسام آن

۸۱ ..... استعمال عام بعد از تخصیص

۸۱ ..... حجیت عام بعد از تخصیص

۸۳ ..... اجمال مخصص

۸۸ ..... آیا عمل به عام قبل از بستن روی خاص جایز است؟

۹۰ ..... دوران امر بین نسخ و تخصیص

### فصل هشتم

#### مطلق و مقید، مجمل و مبین

۹۵ ..... مطلق و مقید

۹۶ ..... نسبت اطلاق و تقید

۹۶ ..... تلازم اطلاق و تقید

۹۸ ..... چگونگی استفاده اطلاق از مطلق

۹۸ ..... مقدمات حکمت

۱۰۰ ..... تنافی بین مطلق و مقید

۱۰۱ ..... مجمل و مبین

۱۰۳ ..... علل و اسباب اجمال

### فصل نهم

#### ادله استنباط

۱۰۵ ..... ۱. کتاب (قرآن)

|     |                                    |
|-----|------------------------------------|
| ۱۰۶ | نحوه جمع‌آوری قرآن                 |
| ۱۰۸ | محتویات قرآن                       |
| ۱۰۸ | ظواهر قرآن                         |
| ۱۰۹ | نسخ قرآن                           |
| ۱۱۱ | ۲. سنت                             |
| ۱۱۱ | اقسام خبر یا حدیث                  |
| ۱۱۱ | اقسام خبر متواتر                   |
| ۱۱۲ | شرایط خبر متواتر                   |
| ۱۱۳ | اقسام خبر واحد                     |
| ۱۱۴ | شرایط خبر واحد                     |
| ۱۱۴ | دلایل حجیت خبر واحد                |
| ۱۱۷ | ۳. اجماع                           |
| ۱۱۷ | اجماع از دیدگاه امامیه و اهل سنت   |
| ۱۱۷ | کاشفیت اجماع از قول معصوم          |
| ۱۱۹ | دلایل حجیت اجماع از دیدگاه اهل سنت |
| ۱۲۱ | ۴. عقل                             |
| ۱۲۲ | اقسام دلیل عقلی                    |
| ۱۲۲ | ملازمه بین حکم عقل و شرع           |
| ۱۲۴ | حجیت عقل                           |
| ۱۲۵ | ۵. قیاس                            |
| ۱۲۶ | حجیت قیاس                          |
| ۱۲۸ | اقسام قیاس                         |
| ۱۳۱ | ۶. استحسان                         |
| ۱۳۱ | ۷. استصلاح یا مصالح مرسله          |
| ۱۳۲ | ۸. سد ذرایع                        |

## فصل دهم

## امارات

|     |                       |
|-----|-----------------------|
| ۱۳۳ | تعریف اماره           |
| ۱۳۴ | تعریف اصل             |
| ۱۳۴ | مقایسه اصل و اماره    |
| ۱۳۵ | حجیت اصل و اماره      |
| ۱۳۶ | شهرت                  |
| ۱۳۶ | حجیت شهرت             |
| ۱۳۷ | قول لغوی              |
| ۱۳۷ | سیره                  |
| ۱۳۸ | حجیت سیره             |
| ۱۳۸ | اقسام عرف             |
| ۱۳۹ | تعریف عادت و اقسام آن |
| ۱۴۰ | حجیت عرف و عادت       |

## فصل یازدهم

## اصول عملیه

|     |                                |
|-----|--------------------------------|
| ۱۴۰ | ۱. اصل برائت                   |
| ۱۴۲ | مجری اصل برائت                 |
| ۱۴۳ | دلایل حجیت اصل برائت           |
| ۱۴۵ | ۲. اصل تخییر                   |
| ۱۴۶ | ۳. اصل احتیاط                  |
| ۱۴۷ | کاربرد اصل احتیاط              |
| ۱۵۲ | ۴. اصل استصحاب                 |
| ۱۵۳ | مقولات استصحاب                 |
| ۱۵۵ | اقسام استصحاب به اعتبار مستصحب |

|     |                                        |
|-----|----------------------------------------|
| ۱۵۸ | اقسام استصحاب به اعتبار دلیل یقین سابق |
| ۱۵۹ | اقسام استصحاب به اعتبار شک لاحق        |
| ۱۶۰ | دلایل حجیت اصل استصحاب                 |
| ۱۶۱ | تنبیهاستصحاب                           |
| ۱۶۳ | تعارض استصحاب با اماره                 |
| ۱۶۴ | تعارض دو استصحاب                       |
| ۱۶۵ | تعارض استصحاب با براءت                 |
| ۱۶۵ | تعارض استصحاب با تخییر                 |
| ۱۶۶ | تعارض استصحاب با احتیاط                |

## فصل دوازدهم

## تعارض ادله

|     |                               |
|-----|-------------------------------|
| ۱۶۷ | تعریف تعارض                   |
| ۱۶۸ | شرایط تعارض                   |
| ۱۶۹ | تعارض ظاهری و واقعی           |
| ۱۷۰ | موارد تعارض ظاهری             |
| ۱۷۰ | تزام                          |
| ۱۷۱ | مرجحات التزام                 |
| ۱۷۲ | راههای شناخت اولویت در التزام |
| ۱۷۲ | وضعیت دو حکم متزام            |
| ۱۷۳ | تخصیص                         |
| ۱۷۳ | حکومت                         |
| ۱۷۴ | تخصص                          |
| ۱۷۴ | ورود                          |
| ۱۷۴ | قانون جمع در باب تعارض        |
| ۱۷۵ | حکم دو دلیل متعارض            |

## فصل سیزدهم

## اجتهاد و تقلید

|     |               |
|-----|---------------|
| ۱۷۷ | تعریف اجتهاد  |
| ۱۷۷ | اقسام اجتهاد  |
| ۱۷۸ | تخطئه و تصویب |
| ۱۷۹ | تقلید         |
| ۱۸۱ | کتابنامه      |

www.ketab.ir

## مقدمه

بدون شک در فقه اسلامی حکم کلیه مسائل از قبیل وضعی و تکلیفی مشخص و معین شده است و هر مسئلای هم که به تازگی حادث شود از قبیل مسائل روزمره مثل بیمه، بانکداری و غیره، می‌توان حکم آن را از کتاب، سنت و عقل و اجماع به دست آورد. اما این امر با شروطی بر دانستن یک سلسله قواعد و دستورالعمل‌هایی است که موجب استنباط این شخص و در نتیجه پی بردن به حکم مسائل مذکور خواهد بود که آن را اصول فقه می‌گویند. به همین خاطر است که گفته‌اند نسبت اصول به فقه مانند منطق به فلسفه است، زیرا منطق درست اندیشیدن را می‌آموزد و اصول درست استنباط کردن را.

شخص فقیه و مجتهد برای به دست آوردن مراد شارع از کلمات و عبارات از قواعد اصولی استفاده کند، زیرا او در عصر معصوم (ع) زندگی نمی‌کند و به واسطه دسترسی به او مشکل خود را مرتفع کند که آیا معصوم در فلان حدیث منظورش چه بوده است؟ یا این که در مقام بیان بوده است یا خیر؟ و یا این که فلان حدیث از فلان معصوم صادر شده است یا خیر؟ و یا این که فلان خبر حجت است یا خیر؟ بلکه ایشان در عصر غیبت زندگی می‌کند که باب علم به روی او بسته است و برای استنباط احکام شرعی با ظنون سروکار دارد و از طرفی هم بر اساس روایت «لَا تَفْ مَالِیسَ لَکَ بِهَ عِلْمٌ» نمی‌تواند به غیر علم عمل کند بنابراین باید بداند

ظنونی که می‌خواهد به واسطه آن‌ها مراد شارع را استنباط کند پشتوانه علمی دارند یا خیر؟ بر این اساس فقیه ناگزیر است که به علم اصول روی آورد و از قواعد آن در استنباط احکام شرعیه استفاده کند.

البته این تنها فقیه و مجتهد نیست که بایستی از اصول فقه استفاده کند بلکه قضات و وکلای دادگستری و دیگر حقوقدانان هم برای استنباط احکام بسیاری از مسائل روزمره نیاز مبرم به چنین قواعدی را دارند، زیرا حکم بسیاری از مسائل مطرح شده در امور حقوقی و کیفری به صراحت در قانون پیش‌بینی نشده است و برای تسبیق قوانین با مسائل مربوطه، قاضی و یا وکیل نیازمند به قدرت استنباط می‌باشند که این قدرت استنباط تنها از راه اصول فقه حاصل خواهد شد.

نگارنده بعد از حدود هجده سال تدریس مداوم دروس فقه و اصول و با توجه به احساس ضرورت آشنایی دانشجویان رشته‌های حقوق با علم اصول فقه تصمیم به جمع‌آوری این مجموعه تحقیقات و ان "اصول استنباط در حقوق اسلامی" نمود که گرچه مجموعه مذکور نموداری از دیان بیکران و دانش اقتباسی از دانشوران بزرگ این علم است ولی متضمن بسیاری از مسائل مربوط به این علم می‌باشد که به طور مختصر و فشرده بیان شده است. ما از آنجا که این مجموعه برگرفته و مستخرج از اصولی به زبان عربی است و از طرفی هم سعی شده است مثال‌های حقوقی با آن‌ها تطبیق داده شوند بدون شک خنثی از نظر لغوی و عاری از اشکال نمی‌باشد ولی به هر حال امید است که مورد رضایت و استناد دانش‌پژوهان عزیز قرار گرفته و نقایص موجود را مورد چشم‌پوشی، بخشش و یادآوری قرار دهند.

«و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»

تابستان ۱۳۸۹

علی دلفانی